

مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

تحلیل میزان رضایت از زندگی و تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی

(نمونه موردی: استان خراسان رضوی)^۱

محمد قنبری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛ عضو گروه

مشاوران جوان شهرداری مشهد، نویسنده مسؤول)

m.ghanbari233@yahoo.com

سید مصطفی حسینی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

S.mhosseini65@yahoo.com

سلمان حیاتی (باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، لامرد، ایران)

s.hayati66@gmail.com

چکیده

تاریخچه پیدایش مهاجرت چندان روشن نیست؛ ولی بشر در طول تاریخ همواره در حرکت و جابجایی بوده است. اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی سابق و پس از آن جنگ داخلی، بی‌ثباتی سیاسی، فقر و توسعه‌نیافتگی باعث تداوم مهاجرت قانونی و غیر قانونی تعداد زیادی از مردم افغانستان به ایران و به‌ویژه استان خراسان رضوی گردید. هدف از این پژوهش بررسی میزان رضایت از زندگی و تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و از نرم‌افزارهای GIS و PASW برای تحلیل پرسشنامه‌ها و ترسیم نقشه‌ها استفاده شده است. نتایج پژوهش بیان‌گر توزیع فضایی ۹۸ درصد مهاجرین در شهرستان‌های مشهد و تربت‌جام می‌باشد. نتایج مستخرج از پرسشنامه هم بیان‌گر رضایت کمتر از حد متوسط زندگی در ایران توسط مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی می‌باشد و میزان تمایل بازگشت به افغانستان هم بر اساس میانگین نظر پاسخگویان هم کمتر از حد متوسط بوده است. همچنین بر اساس نتایج آزمون من ویتنی، بین متغیر محل سکونت پاسخگویان با میزان رضایت از زندگی در ایران و میزان تمایل بازگشت به کشورشان، تفاوت معناداری بین دو گروه پاسخگویان ساکن شهرستان مشهد و تربت‌جام وجود دارد.

^۱ این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "برنامه ریزی و مدیریت یکپارچه مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی و نقش آن در امنیت استان" می‌باشد که با حمایت دفتر تحقیقات کاربردی فا. آ خراسان رضوی انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، مهاجرین افغانستانی، رضایت از زندگی، استان خراسان رضوی.

مقدمه

مهاجرت یا کوچ کردن همواره یکی از راه‌هایی بوده است که به انسان در تلاش خود برای سازگاری با محیط و فائق آمدن بر دشواری‌ها کمک کرده است. اگرچه تاریخچه پیدایش مهاجرت چندان روشن نیست ولی بشر در طول تاریخ همواره در حرکت و جابجایی بوده است (Azimi, 2005: 99). سرآغاز چشمگیر حرکات مکانی جمعیت‌ها را، اعم از اختیاری و اجباری، از قرن ۱۶ به این طرف، همراه و همگام با توسعه سیاست‌های استعماری می‌بینیم و دوران اوج این مهاجرت‌ها را که در اختلاط و ترکیب نژادها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تأثیر به‌سزایی داشته است، در ثلث اول قرن بیستم، به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، زمانی که امپراتوری‌های بزرگ سقوط می‌کنند و مرزهای جغرافیائی کشورها تغییر می‌یابد و یا جنگ‌های منطقه‌ای به جابجایی اضطراری و اجباری انسان‌ها منتهی می‌شود، مشاهده می‌کنیم (Farid, 2002: 23). توجه جدی به مهاجرت به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و جمعیتی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم بر می‌گردد (Taherkhani, 2001: 68).

همانند الگوی مهاجرت‌های داخلی که مهاجرت عمدتاً از روستاها، شهرها و مناطق محروم و کم‌برخوردار به سوی شهرهای بزرگ و مناطق برخوردار صورت می‌گیرد. در بعد بین‌المللی نیز، مجموعه عوامل دافعه موجود در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه از یکسو و جاذبه‌های واقعی و خیالی موجود در کشورهای توسعه‌یافته از سوی دیگر، موجب گسیل جمعیت مهاجران به صورت قانونی یا غیر قانونی به سوی این کشورها می‌شود (Zarghani, 2013: 8). از لحظه‌ای که مهاجران وارد یک کشور جدید می‌شوند، ناچارند که در آن جامعه، مکانی را برای زندگی انتخاب کنند. همچنین آن‌ها باید با مفاهیم فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان آشنا شوند. گوردون معتقد است که گروه‌های اقلیت و مهاجران باید در درون فرهنگ جامعه مقصد با معیارهای فرهنگی و اجتماعی آن سازگار شوند؛ یعنی آن‌ها باید

هویتشان را باز تعریف نمایند و از طریق زبان رسمی و ارتباط با اعضای جامعه میزبان نیازهای خود را برطرف کنند (Polek & Others, 2009: 72).

مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران از حیث مکانی دارای شرایط و ویژگی‌های خاص خود است. این نوع مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر است که تحت عنوان مهاجرت بین‌المللی شناخته می‌شود. مسیرهای جابجایی، از نواحی روستایی و شهری افغانستان به نواحی شهری و روستایی کشور ایران و عمدتاً حاشیه شهرهای بزرگ مانند تهران، مشهد، اصفهان و ... بوده است. مهاجرین افغانی بر حسب ویژگی‌های مذهبی و قومی خود در نواحی خاصی اسکان گزیده‌اند (Mansoorian et al., 2010:4). سرآغاز حضور مهاجرین افغانستانی به سال‌های قبل از انقلاب بر می‌گردد؛ یعنی زمانی که در طی دیداری در سال ۱۳۵۶ ه. ش بین محمدرضا شاه و داوود، اولین ریاست جمهوری، قرار شد ایران از وجود کارگران ساده افغانستانی برای آبادانی کشور استفاده کند و ایران نیز متعهد گردید که تسهیلاتی را برای ورود سهل‌تر این کارگران به ایران فراهم کند؛ اما با اشغال افغانستان توسط شوروی در سال ۱۹۷۹ میلادی و شعله‌ور شدن جنگ داخلی و نابسامانی اوضاع داخلی افغانستان از یک سو و نزدیکی و اشتراک نظر بین گروه‌های جهادی افغان و گروه‌های انقلابی در ایران از سوی دیگر در طی سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی ایران، مهاجرت گروه زیادی از افغانستانی‌ها به سوی ایران آغاز گردید (Naseri, 2000:168). با اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی سابق، موج عظیمی حدود ۲/۹ میلیون افغان به ایران سرازیر شدند. در سال ۱۹۹۲ با شکست شوروی در افغانستان و سقوط رژیم کمونیستی نجیب الله، خط‌مشی ایران به بازگشت پناهندگان به کشورشان تغییر یافت و قرارداد سه‌جانبه‌ای بین دولت‌های ایران، افغانستان و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به امضاء رسید که طی این تفاهم‌نامه، فرایند گسترده بازگشت به افغانستان طی دو سال به اجرا گذاشته شد. (Koepke: 2011: 1). جنگ داخلی بین نیروهای مجاهدین و ظهور طالبان، مرحله جدیدی از خشونت و ناآرامی را در افغانستان دامن زد که موج جدیدی از مهاجران را به سمت ایران گسیل داشت (Ghanbari, 2014:13). استان خراسان رضوی با توجه به هم‌مرز بودن با کشور افغانستان میزبان تعداد بسیار زیادی از این مهاجرین افغانستانی

بوده است که در بخش‌های مختلف استان خراسان رضوی سکونت دارند. با توجه به تعداد زیاد و توزیع فضایی این مهاجرین در استان و بهبود نسبی شرایط کشور افغانستان ضرورت مطالعه درباره این افراد و میزان رضایت و تمایل به بازگشت آن‌ها به کشور افغانستان بیش‌ازپیش احساس می‌گردد و بر این اساس مهم‌ترین اهداف این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

- بررسی میزان رضایت از زندگی مهاجرین افغانستانی در استان خراسان رضوی؛
- بررسی میزان احساس تعلق خاطر مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی به ایران؛
- بررسی میزان تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی به کشور

افغانستان.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، به صورت اسنادی و میدانی و از لحاظ هدف، کاربردی به شمار می‌آید. روش تحقیق به کار گرفته شده از نظر شیوه نگارش و پرداختن به مسأله، توصیفی — تحلیلی به شمار می‌رود. مسأله اصلی پژوهش، بررسی میزان رضایت از زندگی و تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی می‌باشد. در چارچوب این مسأله، سؤالات فرعی و فرضیات مطرح شده‌اند که فرضیات پژوهش به شرح زیر است:

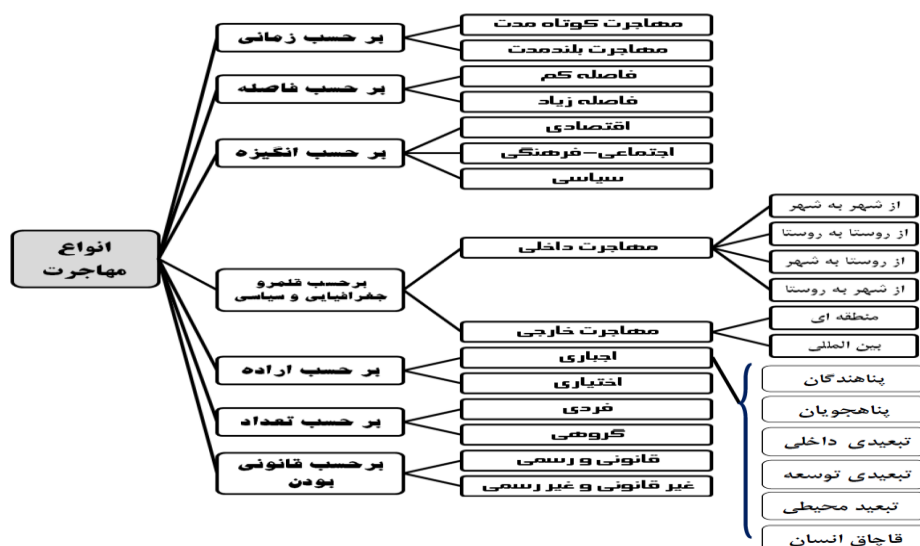
- بین متغیر محل سکونت با میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین متغیر محل تولد با میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین متغیر قومیت با میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین سن، درآمد و مدت اقامت با رضایت از زندگی مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی رابطه معناداری وجود دارد.

- بین سن، درآمد و مدت اقامت با تمایل به برگشت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی رابطه معناداری وجود دارد.
 - بین سطح تحصیلات و شغل با رضایت از زندگی مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی تفاوت معناداری وجود دارد.
 - بین سطح تحصیلات و شغل با تمایل به برگشت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی تفاوت معناداری وجود دارد.
- در بخش مطالعه میدانی، مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد. تعداد این مهاجرین در سال ۱۳۹۰ بر اساس اطلاعات و آمار اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری خراسان رضوی، برابر با ۱۳۰۲۴۲ نفر می باشد که با توجه به حجم بالای جامعه آماری و گستردگی محدوده مورد مطالعه و عدم امکان جمع آوری اطلاعات از تمام جامعه آماری، اقدام به نمونه گیری شد. برای محاسبه حجم نمونه پاسخگویان از فرمول کوکران استفاده شده است. بر اساس این فرمول با سطح اطمینان ۹۵٪، ۳۲۲ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شدند که برای اطمینان، حجم نمونه به ۳۵۰ نفر افزایش یافت. شیوه نمونه گیری برای پخش پرسشنامه ها به روش خوشه ای تصادفی می باشد که با توجه به اینکه بیش از ۹۸ درصد از مهاجرین در افغانستانی استان در شهرستان های مشهد و تربت جام (مهمان شهر) سکونت دارند، این دو شهرستان به عنوان خوشه های جامعه نمونه انتخاب گردید و در بین این دو جامعه به طور تصادفی و با توجه به میزان جمعیت مهاجرین در این دو شهرستان پرسشنامه ها پخش و جمع آوری گردید. تحلیل داده های مستخرج از پرسشنامه با استفاده از نرم افزار PASW انجام گرفت متناسب با نیاز از نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) جهت ارائه اطلاعات به صورت نقشه استفاده شد.

تعاریف و مفاهیم (مبانی نظری)

مهاجرت

مهاجرت به معنای عام کلمه عبارت است از «ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور موقت یا دائم» (Sheikhi,1990:46) ولی به معنی اخص کلمه که مهم‌ترین نوع تحرک جمعیت می‌باشد، عبارت است از «جابجا شدن دسته‌جمعی یا انفرادی انسان‌ها به طور دائم بدون قصد بازگشت به مبدأ» (Javan,2011:316). مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی انسان‌هاست که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد که این جابجایی می‌تواند به صورت دائمی یا تقریباً دائمی باشد (Beikmohamadi&Mokhtari2003:22). این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدأ یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی، به مقصد یا محل اقامت جدید بینجامد (Zanjani,2001:5). صاحب‌نظران بر اساس رویکردهای گوناگونی چون فاصله، انگیزه، زمان، اراده، تعداد، قانونی و غیر قانونی بودن به طبقه‌بندی موضوع مهاجرت‌ها پرداخته‌اند که به منظور پرهیز از اطاله کلام در قالب شکل زیر نشان داده شده است:



شکل ۱- طبقه‌بندی انواع مهاجرت

Source: Zarghani,2015:55

مأخذ زرقانی و سجاسی، ۱۳۹۴: ۵۵

رضایتمندی

رضایتمندی واژه‌ای است که درک آن ساده اما تعریف آن مشکل است و مفهوم آن با اصلاحاتی مانند خوشایندی، خرسندی و کیفیت زندگی همپوشانی دارد. رضایتمندی پدیده‌ای از قبل موجود نیست که آماده سنجش و اندازه‌گیری باشد؛ بلکه قضاوت افراد در یک زمان خاص و انعکاسی از تجربیات فرد است. رضایتمندی میزان دستیابی افراد به اهداف مطلوب و مورد نظر است (The Health Boards Executive, 2003) و مبین شکاف بین کیفیت خدمات مورد انتظار و خدمات دریافت شده می‌باشد (Sajid & Ali, 2009).

طرح آمایش اتباع خارجی

مسئولیت رسیدگی به امور پناهندگان بر عهده اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور (بافیا BAFIA) و ادارات تابعه مستقر در استانداری‌ها می‌باشد. از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که توسط بافیا انجام می‌شود، صدور و تمدید مجوز پناهندگی است که به‌اختصار "آمایش" نامیده می‌شود. طرح‌های آمایش با هدف سرشماری مهاجرین خارجی در کشور عمدتاً هر ساله انجام می‌شود (Interior minister of the Republic of Iran, 2011).

نظریات

به‌منظور بررسی موضوع مهاجرت از منظر صاحب‌نظران، به‌اختصار برخی از نظریه‌های مربوط به مهاجرت مورد اشاره قرار می‌گیرد:

نظریه لاری ساستاد^۱

لاری ساستاد به مسئله مهاجرت از دیدگاه سرمایه‌گذاری می‌پردازد. وی الگوی سرمایه انسانی در مهاجرت را تصمیمی برای سرمایه‌گذاری فردی معرفی می‌نماید. با توجه به سطح مهاجرت، افراد ارزش فعلی سرمایه انسانی را در مقصد و در مقایسه با موقعیتی که در مبدأ دارند، محاسبه می‌کنند. اگر بازده خالص هزینه فعلی مهاجرت در مقصد بزرگ‌تر از بازده کشور مبدأ باشد، مهاجرت رخ می‌دهد. ساستاد، در الگوی خود، به هزینه‌های مهاجرت و درآمدهای قابل‌انتظار مبدأ و مقصد می‌پردازد و آن‌ها را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مهاجرت می‌داند. در این حالت، هزینه

1 Sjastad

انتقال شامل هزینه‌های مالی (مانند هزینه مسافرت، تفاوت در هزینه زندگی، درآمد پیشین در هنگام مهاجرت) همچنین شامل افزایش هزینه‌های روانی (برای نمونه جدایی از خانواده و دوستان) می‌شود. بر اساس این نظر، هر نوع ارزشیابی شخصی از سود و زیان به خصوصیات فردی - مانند سن، جنس، تحصیل، بستگی دارد. فرد مهاجر تمامی این هزینه‌ها را محاسبه می‌کند و درآمد مورد انتظار در مقصد و درآمد مورد انتظار در مبدأ را مورد توجه قرار می‌دهد و با مقایسه آن‌ها، برای مهاجرت تصمیم‌گیری می‌نماید و مهاجرت زمانی صورت می‌گیرد که هزینه واقعی مهاجرت کمتر از درآمد قابل انتظار مقصد باشد. به نظر او مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد در غیر این صورت حتی اگر درآمد قابل انتظار در مقصد بیش از درآمد مبدأ باشد باز هم مهاجرتی انجام نمی‌گیرد (Karimi, 2013:39).

نظریه جاذبه و دافعه^۱ دوری توماس^۲

در سال ۱۹۴۱ میلادی نظریه مشهور دیگری به نام جاذبه-دافعه را دوری توماس مطرح کرد این نظریه برای تبیین مهاجرت، بر عدم تعادل اجتماعی-اقتصادی میان کشورهای مبدأ و کشورهای مقصد متمرکز می‌شود و بیان می‌دارد که وجود عدم تعادل‌های اجتماعی-اقتصادی در کشور مبدأ، موجب دفع افراد از این کشورها می‌شود، و برعکس، در کشورهای مقصد عوامل اجتماعی - اقتصادی به صورتی در کنار هم قرار گرفته‌اند که افراد را جذب می‌نماید و تا زمانی که عوامل دافعه در کشورهای مبدأ پا برجا هستند و در مقابل بر عوامل جاذبه در کشورهای مقصد افزوده می‌شود روند مهاجرت ادامه خواهد یافت. در واقع، الگوهایی که مهاجران را تابعی از بیکاری می‌دانند عمدتاً در چارچوب نظریه جاذبه-دافعه مطرح شده‌اند: به طوری که افزایش بیکاری مبدأ (عامل دافعه) انگیزه مهاجرت را از آن نقطه به نقاطی که سطوح بیکاری در آن‌ها کم و یا فرصت‌های شغلی بیشتری در دسترس باشد (عامل جاذبه) فراهم می‌کند. توماس به سن مهاجران نیز اشاره می‌کند. به نظر وی: افراد در آخرین سال‌های نوجوانی تا اوایل سی‌سالگی نسبت به دیگر گروه‌های سنی به مهاجرت راغب‌تر هستند (FakhriZade Chenar Sukhte, 2011:45-46).

1 Pull and Push

2 D.S.Thomas

نظریه جاذبه و دافعه^۱ اورت اس. لی^۲

در سال (۱۹۶۶ میلادی) اورت اس. لی در قالب نظریه دفع و جذب به تحلیل عوامل میانی بین مبدأ و مقصد می‌پردازد. او معتقد است که مهاجرت به معنای تغییر دائم یا به نسبت دائمی محل اقامت است. هر مهاجرتی از دید او مبدأ و مقصدی دارد و نیز سلسله‌ای از عوامل در آن نقش دارند. لی با ارائه یک طرح جامع چنین فرض می‌کند که در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد میل به مهاجرت در فرد پیدا می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی وجود امکانات آموزشی بیشتر، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط‌زیست را از عوامل دافع محسوب می‌دارد. نکته قوت نظریه لی تأکید درست و به جای او درباره عوامل شخصی است تحت تأثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند. در این مدل چهار دسته از عوامل مهاجرت متخصصان را مشخص می‌کند:

الف- عوامل موجود در مبدأ (انگیزنده یا بازدارنده) یا عوامل دفع‌کننده.

ب- عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده) یا عوامل جذب‌کننده.

ج- موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد.

د- عوامل شخصی

برآیند این چهار دسته عوامل تصمیم‌شخص را برای مهاجرت رقم می‌زند. افرادی که در یک حوزه زندگی می‌کنند آشنایی بلا واسطه و غالباً بلندمدتی را با حوزه زندگی خویش دارند و معمولاً^۱ قادرند که داورهای صبورانه‌ای را در مورد آن‌ها در نظر داشته و رسیدگی کنند. برای برخی تخصص‌ها که تقاضا برای آن‌ها در مبدأ کم ولی در مناطق بزرگ بسیار است. مهاجرت یک اجبار می‌شود؛ بنابراین مهندسان و اساتید نیز مهاجرت می‌کنند (-FakhriZadeChenarSukhte,2011:47)

1 pull and push

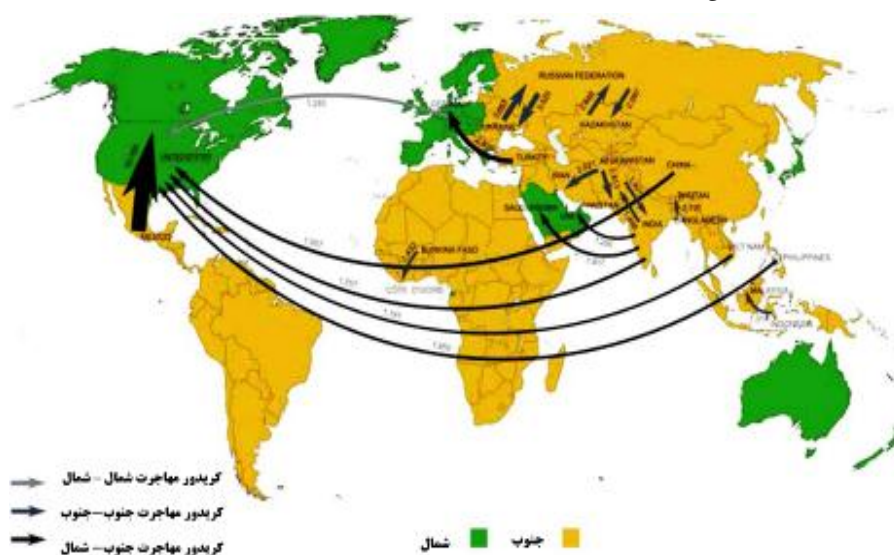
2 Everett.s.lee

48). لی نظریه مهاجرت خود را به عنوان چارچوبی مفهومی که حاوی عواملی از مبدأ و مقصد، مجموعه موانع مداخله کننده و مجموعه‌ای از عوامل شخصی است، به منظور تنظیم فرضیه‌های عمومی در خصوص حجم مهاجرت، گسترش جریان و ضد جریان مهاجرت و خصوصیات مهاجران به کار می‌برد. با تلفیق همه عوامل، لی نتیجه می‌گیرد که مهاجران با در نظر گرفتن عوامل مثبت در مقصد (مثل تحرک بیشتر به واسطه سن، تحصیلات یا تجربه و مهارت) و با در نظر گرفتن عوامل منفی در مبدأ، منطقه‌ای را انتخاب می‌کنند؛ بنابراین مهاجرت یک انتخاب دوجانبه است (MovaseghiJadidi & KhatunAbadi, 2009:95).

بحث و یافته‌ها

توزیع فضایی مهاجرین افغانستانی در استان خراسان رضوی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ تعداد مهاجرین افغانستانی در ایران برابر با ۱۲۱۱۱۷۱ نفر بوده است که در سال ۱۳۹۰ این رقم به ۱۴۵۲۵۱۳ نفر افزایش یافته است. همچنان که در نقشه زیر دیده می‌شود، مهاجرت از افغانستان به ایران یکی از بیست مسیر اصلی مهاجرت در جهان تبدیل شده است.

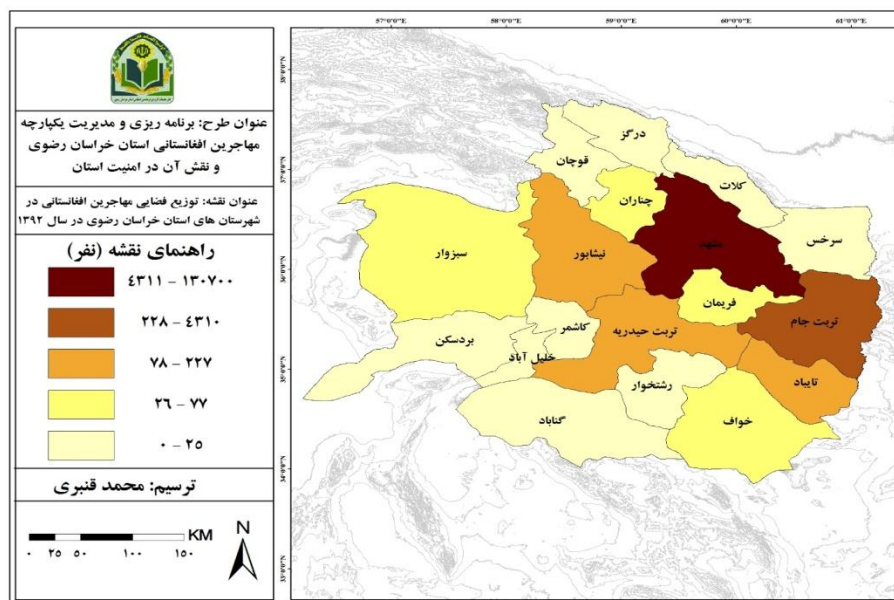


شکل ۲- بیست مسیر اصلی مهاجرت در جهان (International Organization Migration, 2010)

از حیث توزیع استانی، در سال ۱۳۸۵ تعداد مهاجرین افغانستانی در استان خراسان رضوی برابر با ۱۶۰۸۹۲ نفر بوده است که نسبت به جمعیت کل افغانه موجود در کشور برابر با ۱۳/۲۸ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۰ تعداد مهاجرین افغانستانی در استان خراسان رضوی برابر با ۲۰۵۸۵۹ نفر بوده است که نسبت به جمعیت کل افغانه در کشور برابر با ۱۴/۱۷ درصد می‌باشد. این ارقام بیان‌گر افزایش کمی و نسبی مهاجرین افغانستانی در استان خراسان رضوی نسبت به کل کشور می‌باشد. یکی از مشکلات اصلی در بحث طرح‌ها و مطالعات مختلف در کشور، عدم وجود آمار صحیح یا ارائه آمارهای مختلف از طرف سازمان‌ها و نهادهای مختلف می‌باشد. در این پژوهش هم با چنین مشکلی روبه‌رو هستیم؛ به‌طوری‌که بر اساس آمار ارائه شده از طرف مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) تعداد مهاجرین افغانستانی در سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۰۵۸۵۹ نفر می‌باشد، این در حالی است که آمار ارائه شده از طرف اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری خراسان رضوی در سال ۱۳۹۰ بیان‌گر آماری متفاوت نسبت به آمار ارائه شده از طرف مرکز آمار ایران می‌باشد. از آنجاکه سازمان مسئول و اصلی در بحث مهاجرین خارجی در استان خراسان رضوی، اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری خراسان رضوی می‌باشد و همچنین وجود اطلاعات تفصیلی‌تر و دقیق‌تر با توجه به وضعیت سکونت این افراد در شهرستان‌های مختلف استان، برای اطمینان بیشتر نسبت به تحلیل‌هایی که باید در طی روند پژوهش انجام بگیرد، از آمار مربوط به اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری خراسان رضوی استفاده شده است.

تعداد مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی در طرح آمایش ۹ که در سال ۱۳۹۲ انجام گردیده است، برابر با ۱۳۵۸۶۲ نفر می‌باشد که نسبت به طرح آمایش ۸ (سال ۱۳۹۱) کاهش ۷۲۲۶ نفری را نشان می‌دهد. شهرستان‌های مشهد، تربت‌جام و نیشابور هم به ترتیب با ۱۳۰۷۰۰ نفر (۹۶،۲ درصد)، ۴۳۱۰ نفر (۳،۱۷ درصد) و ۲۲۷ نفر (۰،۱۶ درصد) بیش‌ترین تعداد مهاجرین افغانستانی را در خود جای داده‌اند. در شهرستان‌های درگز، سرخس و گناباد هم تعداد مهاجرین افغانستانی کمتر از ۱۰ نفر بوده است. همچنین شهرستان‌های کلات،

رشتخوار و خلیل‌آباد فاقد مهاجر افغانستانی بوده‌اند. در شکل ۱ توزیع فضایی مهاجرین افغانستانی در شهرستان‌های استان خراسان رضوی نشان داده شده است.



شکل ۳- توزیع فضایی مهاجرین افغانستانی در شهرستان‌های استان خراسان رضوی در طرح آمایش ۹

Source: Bureau for Aliens and Foreign Immigrants Affairs of Khorasan Razavi, 2013

مأخذ: اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۲

تحلیل پرسشنامه‌ها

بررسی داده‌های پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی صورت پذیرفته است. در بخش آمار توصیفی با استفاده از جداول فراوانی به توصیف هر یک از متغیرها اشاره می‌شود. در بخش آمار استنباطی، تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روابط بین متغیرهای مختلف آمده است.

بررسی پاسخگویان بر حسب جنسیت و تأهل

بر اساس داده‌های استخراج شده از مجموع ۳۵۰ پرسشنامه، ۲۲۲ نفر برابر با ۶۳/۴ درصد از پاسخگویان را مردان و ۱۲۸ نفر برابر ۳۶/۶ درصد از پاسخگویان را زنان و همچنین ۱۵۰ نفر برابر با ۴۲/۹ درصد از پاسخگویان متأهل و ۲۰۰ نفر برابر ۵۷/۱ درصد از پاسخگویان را افراد مجرد تشکیل می‌دهد.

بررسی پاسخگویان بر حسب سن

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، بیش‌ترین تعداد مهاجرین افغانستانی که پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند به میزان ۵۴ درصد در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال قرار دارند و بعد از آن گروه سنی ۳۰-۴۰ سال به میزان ۱۷/۱ درصد در رتبه دوم قرار دارد و کمترین فراوانی آن به میزان ۱/۷ درصد مربوط به گروه سنی بیش از ۶۰ سال می‌باشد. گروه‌های سنی کمتر از ۲۰ سال، ۴۰ تا ۵۰ و ۵۰ تا ۶۰ سال هم به ترتیب ۱۶/۶ درصد، ۹/۱ درصد و ۳/۴ درصد پاسخگویان را تشکیل داده‌اند.

بررسی پاسخگویان بر حسب مکان سکونت

از آنجا که بیش از ۹۸ درصد مهاجرین افغانستانی ساکن شهرستان‌های مشهد و تربت‌جام (مهمان‌شهر) می‌باشند، پرسشنامه‌ها هم در این دو شهرستان پخش گردید. از مجموع ۳۵۰ پرسشنامه، ۳۱۵ عدد (۹۰ درصد) در شهرستان مشهد و ۳۵ عدد (۱۰ درصد) در شهرستان تربت‌جام پخش و جمع‌آوری گردید.

بررسی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

بر اساس اطلاعات حاصل از پرسشنامه، اکثر پاسخگویان شامل ۳۸/۳ درصد، دارای مدرک تحصیلی دیپلم می‌باشند. بعد از این گروه، تعداد پاسخگویان با وضعیت تحصیلی لیسانس به میزان ۱۷/۴ درصد نسبت به سایر گروه‌ها رقم بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند و سایر گروه‌ها به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: پاسخگویان با وضعیت تحصیلی راهنمایی ۱۶/۳۷ درصد، ابتدایی ۹/۴ درصد، فوق‌دیپلم ۸ درصد، فوق‌لیسانس و بالاتر ۶/۳ درصد و در رتبه آخر هم مهاجرین افغانستانی با وضعیت تحصیلی بی‌سواد ۳۴ درصد را تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر

۶۸/۳ درصد پاسخگویان، فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند و ۲۱/۷ درصد آن‌ها دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

بررسی پاسخگویان بر حسب وضعیت شغلی

در بررسی وضعیت شغلی مهاجرین افغانستانی در استان خراسان رضوی بر اساس نتایج پرسشنامه مشخص گردید که حدود ۲۵ درصد پاسخگویان در امور ساختمانی مشغول به فعالیت می‌باشند و ۲۰/۳ درصد پاسخگویان را زنان خانه‌دار تشکیل داده‌اند، افراد با وضعیت شغلی دانشجو، سایر، خیاط، بیکار و کفاش به ترتیب با ۱۷/۷ درصد، ۱۶/۹ درصد، ۵/۷ درصد و کفاش در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بررسی پاسخگویان بر حسب وضعیت مدرک اقامتی در ایران

بر اساس بررسی‌های انجام شده، در زمان فعلی مهاجرین افغانستانی دارای مدارک اقامتی گذرنامه، کارت آمایش، دفترچه اقامت پناهندگی، برگه موقت تردد بین‌شهری و یا فاقد مدرک هستند و مواردی که احتمالاً در این گزینه‌ها قرار نداشته باشد، به‌عنوان گزینه سایر مشخص شده است. در این پژوهش، افراد دارای کارت آمایش بیشترین فراوانی را با ۱۸۶ نفر (۵۳/۴ درصد) به خود اختصاص داده است. پس‌از آن افراد دارای مدرک گذرنامه با ۱۴۲ نفر (۴۰/۶ درصد) در رتبه دوم قرار دارد. ۱۷ نفر (۴/۹ درصد) از پاسخگویان هم در این پژوهش فاقد هرگونه مدرک اقامتی بوده‌اند و پاسخگویان با وضعیت مدرک اقامتی دفترچه اقامت پناهندگی و برگه موقت تردد بین‌شهری با ۲ نفر فراوانی (۰/۶ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بررسی پاسخگویان بر حسب وضعیت محل تولد

در بررسی وضعیت محل تولد پاسخگویان مشخص گردید که بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان (۱۹۹ نفر) متولد ایران بوده‌اند و ۴۲ درصد (۱۴۹ نفر) پاسخگویان هم متولد افغانستان بوده‌اند و ۲ نفر از پاسخگویان هم در سایر کشورها متولد شده‌اند.

بررسی پاسخگویان بر حسب قومیت

با توجه به اینکه مذهب اکثر ایرانی‌ها، شیعه می‌باشد، مهاجرین افغانستانی که با وضعیت ساختار جامعه ایران سازگاری بیشتری دارند، به کشور ما مهاجرت کرده‌اند و مهاجرین

افغانستانی با قومیت هزاره به لحاظ مذهب، شیعه بوده و این عامل جزء عوامل اصلی در مهاجرت این افراد به کشور ایران بوده است. در جدول ۱ وضعیت قومیت پاسخگویان به تفکیک مشخص شده است.

جدول ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب قومیت

مآخذ: مطالعات میدانی محققین

قومیت	فراوانی	درصد
هزاره	۲۴۳	۶۹/۴
تاجیک	۷۱	۲۰/۳
پشتون	۵	۱/۴
ازبک	۷	۲
سایر	۲۴	۶/۹
مجموع	۳۵۰	۱۰۰

بررسی پاسخگویان بر حسب وضعیت مسکن

نتایج مستخرج از پرسشنامه‌ها بیان‌گر این موضوع است که ۳۰ درصد پاسخگویان دارای مسکن با وضعیت ملکی یا قولنامه‌ای می‌باشند؛ به بیان دیگر با توجه به اینکه محدودیت‌های قانونی جهت مالکیت برای مهاجرین خارجی بر اساس قوانین کشور وجود دارد، اکثر مهاجرین که به لحاظ مالی توانایی خرید مسکن را دارند، پس از خرید مسکن، آن منزل را به نام یکی از ایرانی‌ها که سند می‌زند و سپس به صورت قولنامه‌ای، منزل را به خود فرد مهاجر منتقل می‌کنند. وضعیت مسکن به صورت رهن و اجاره با حدود ۲۵ درصد در رتبه دوم قرار دارد. وضعیت مسکن به صورت "سایر" با ۲۰ درصد در رتبه سوم قرار دارد. درباره وضعیت مسکن افرادی که گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند می‌توان گفت که این افراد یا در مهمان شهر تربت‌جام ساکن بوده‌اند یا در مکان‌هایی به صورت سرایه‌دار و یا در موارد مشابه زندگی می‌کنند. افراد با وضعیت مسکن اجاره و رهن هم به ترتیب با ۱۳/۴ درصد و ۱۱/۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بررسی پاسخگویان بر حسب وضعیت درآمد

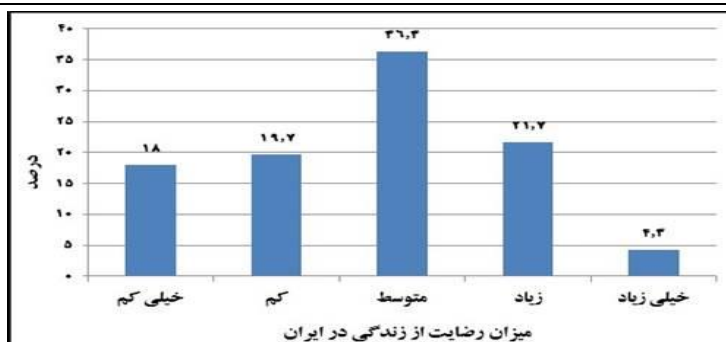
در بررسی وضعیت میزان درآمد پاسخگویان مشخص گردید که بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان دارای درآمد کمتر از ۲۵۰ هزار تومان و یا فاقد درآمد بوده‌اند. به بیان دیگر تقریباً ۴۰ درصد پاسخگویان بدون درآمد بوده‌اند و حدود ۲۱ درصد پاسخگویان هم دارای درآمدی کمتر از ۲۵۰ هزار تومان بوده‌اند. ۸۲ نفر از پاسخگویان هم دارای درآمدی بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان می‌باشند. افراد با درآمد ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان با ۱۳/۴ درصد و افراد با درآمد بیش از یک میلیون تومان با ۲/۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به طور کلی می‌توان گفت که وضعیت درآمدی پاسخگویان اکثراً کمتر از ۵۰۰ هزار تومان می‌باشد.

بررسی پاسخگویان بر حسب مدت اقامت در ایران

در بررسی مدت اقامت پاسخگویان در ایران مشخص گردید که پاسخگویان با مدت اقامت بیش از ۲۰ سال با حدود ۴۹/۷ درصد دارای بیش‌ترین فراوانی در بین سایر گروه‌ها می‌باشند و اکثر افرادی که بیش از ۲۰ سال در ایران اقامت داشته‌اند، متولد ایران بوده‌اند. پس‌از آن به ترتیب افراد با مدت اقامت ۱۵ تا ۲۰ سال، ۱۰ تا ۱۵ سال، ۵ تا ۱۰ سال و با مدت اقامت کمتر از ۵ سال به ترتیب با ۲۳/۷ درصد، ۱۱/۷ درصد، ۸/۹ درصد و ۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بررسی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت از زندگی در ایران

در بررسی میزان رضایت پاسخگویان از زندگی در ایران مشخص گردید که تقریباً ۳۸ درصد پاسخگویان رضایت کم و خیلی کمی از زندگی در ایران داشته‌اند. ۲۶ درصد پاسخگویان هم میزان رضایت زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که میزان رضایت کم و خیلی کم در مقایسه با میزان رضایت زیاد و خیلی زیاد سهم بیشتری از نظر پاسخگویان را به خود اختصاص داده است.



شکل ۴- نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب میزان رضایت از زندگی در ایران

بررسی پاسخگویان بر حسب تمایل بازگشت به کشورشان

در بررسی نظرات پاسخگویان مبنی بر تمایل بازگشت به کشورشان مشخص گردید که در مجموع نیمی از پاسخگویان (۵۰/۶ درصد) تمایل کم و خیلی کمی برای بازگشت به کشورشان دارند و در مقابل حدود ۲۵ درصد پاسخگویان تمایل زیاد و خیلی زیادی به بازگشت به کشورشان دارند. حدود ۲۴ درصد هم درباره تمایل به بازگشت به کشورشان، گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند. نکته قابل ذکر این است که حتی با وجود میزان رضایت نسبتاً کم پاسخگویان درباره میزان رضایت از زندگی در ایران، بیش از نیمی از پاسخگویان هم تمایل کم و خیلی کمی به بازگشت به کشورشان دارند.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تمایل بازگشت به کشورشان

مأخذ: مطالعات میدانی محققین

درصد	فراوانی	میزان تمایل به بازگشت
۲۶	۹۱	خیلی کم
۲۴/۶	۸۶	کم
۲۴/۳	۸۵	متوسط
۲۱/۷	۷۶	زیاد
۳/۴	۱۵	خیلی زیاد
۱۰۰	۳۵۰	مجموع

بررسی پاسخگویان بر حسب مهم‌ترین دلیل عدم بازگشت به کشورشان

پاسخگویان در پاسخ به سؤال مهم‌ترین دلیل عدم بازگشت به کشورشان، با ۵۶ درصد (۱۹۶ نفر) عدم امنیت را به‌عنوان مهم‌ترین دلیل عدم بازگشت به کشورشان انتخاب کرده‌اند. پس‌ازاین گزینه به ترتیب شرایط بهتر تحصیل در ایران، مشکلات اشتغال، نداشتن اموال و سرمایه در افغانستان و گزینه سایر با ۱۶/۶ درصد، ۱۱/۷ درصد، ۹ درصد و ۶/۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نکته قابل ذکر درباره وضعیت امنیت فعلی کشور افغانستان می‌توان بیان کرد این است که وضعیتی امنیت در این کشور نسبت به گذشته بسیار بهتر شده است ولی باین وجود، مهاجرین افغانستانی مهم‌ترین دلیل عدم بازگشت به کشورشان را عدم امنیت ذکر کرده‌اند که این موضوع جای تأمل دارد.

بررسی پاسخگویان بر حسب مهم‌ترین دلیل مهاجرت به ایران

بنا بر پاسخ‌های نمونه آماری ما در این پژوهش، اشتراکات زبانی و مذهبی با حدود ۵۰ درصد (۱۷۰ نفر) مهم‌ترین دلیل مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران بوده است که با توجه به ساختار همگون و مشابه جامعه ایران با قومیت هزاره در افغانستان که اکثرأ شیعه هستند و به زبان فارسی هم صحبت می‌کنند، قابل توجیه می‌باشد. پس از گزینه اشتراک زبانی و مذهبی، گزینه نزدیکی و همسایگی کشورهای افغانستان و ایران با ۲۲ درصد (۷۷ نفر) بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است. گزینه‌های سایر، حضور اقوام و آشنایان و خانواده در ایران و نهایتاً گزینه حمایت ایران از پناهندگان و مهاجرین به ترتیب با ۱۴/۶ درصد، ۱۰/۹ درصد و ۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بررسی پاسخگویان بر حسب میزان احساس تعلق خاطر به ایران

نتایج مستخرج از پرسشنامه درباره میزان احساس تعلق خاطر به ایران، بیان‌گر این موضوع است که گزینه احساس تعلق خاطر کم و خیلی کم حدود ۳۳ درصد (۱۳۷ نفر) از نظر پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. در مقابل احساس تعلق خاطر زیاد و خیلی زیاد ۳۰ درصد (۱۰۵ نفر) پاسخگویان را شامل می‌شود.

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان احساس تعلق خاطر به ایران

مأخذ: مطالعات میدانی محققین

احساس تعلق خاطر به ایران	فراوانی	درصد
خیلی کم	۸۰	۲۲/۹
کم	۵۷	۱۶/۳
متوسط	۱۰۸	۳۰/۹
زیاد	۵۵	۱۵/۷
خیلی زیاد	۵۰	۱۴/۳
مجموع	۳۵۰	۱۰۰

تحلیل‌های ثانویه

در بخش‌های قبلی به بررسی توصیفی متغیرهای مختلف پرداخته شد و ویژگی‌های توصیفی آن‌ها ذکر گردید، در این قسمت با استفاده از آزمون و روش‌های مناسب به تحلیل ثانویه بین متغیرهای مختلف پرداخته خواهد شد.

بررسی ارتباط متغیر جنسیت با میزان رضایت از زندگی، تمایل به بازگشت و احساس

تعلق خاطر به ایران

برای بررسی وجود یا عدم وجود ارتباط معنادار بین جنسیت پاسخگویان با متغیرهای میزان رضایت از زندگی در ایران، میزان تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران از آزمون من ویتنی استفاده گردید که نتایج آن در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون من ویتنی بین متغیر جنسیت با میزان رضایت، میزان تمایل بازگشت و

احساس تعلق خاطر

متغیر	گروه‌ها	حجم نمونه	میانگین رتبه	من ویتنی	سطح معناداری (sig)
میزان رضایت از زندگی در ایران	مرد	۲۲۲	۱۸۳/۷۴	۱۲۳۷۹/۵	۰/۰۳۷
	زن	۱۲۸	۱۶۱/۲۱		
میزان تمایل بازگشت به افغانستان	مرد	۲۲۲	۱۷۵/۲۸	۱۴۱۵۹/۵	۰/۹۵۶
	زن	۱۲۸	۱۷۵/۸۸		
احساس تعلق خاطر به ایران	مرد	۲۲۲	۱۷۹/۴۸	۱۳۳۲۴/۵	۰/۳۱۹
	زن	۱۲۸	۱۶۸/۶۰		

بر اساس نتایج آزمون من ویتنی بین متغیرهای جنسیت با میزان رضایت از زندگی در ایران، میزان تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران، مشخص گردید که با توجه به اینکه سطح معناداری (sig) بین متغیرهای جنسیت و میزان رضایت از زندگی کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بیان‌گر وجود رابطه معنادار بین این متغیرها می‌باشد ولی در مورد متغیرهای میزان تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر می‌توان بیان کرد که با توجه به اینکه sig بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، وجود رابطه معنادار بین این متغیرها رد می‌گردد.

بررسی ارتباط متغیر وضعیت تأهل با میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و

احساس تعلق خاطر به ایران

جهت بررسی تفاوت یا عدم تفاوت در بین افراد مجرد و متأهل با متغیرهای میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران از آزمون من ویتنی استفاده گردید که خروجی این آزمون برای این متغیرها در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون من ویتنی بین متغیر وضعیت تأهل با میزان رضایت، میزان تمایل بازگشت

و احساس تعلق خاطر

متغیر	گروه‌ها	حجم نمونه	میانگین رتبه	من ویتنی	سطح معناداری (sig)
میزان رضایت از زندگی در ایران	مجرد	۲۰۰	۱۵۷/۵۶	۱۱۴۱۱/۵	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۵۰	۱۹۹/۴۲		
میزان تمایل بازگشت به افغانستان	مجرد	۲۰۰	۱۷۹/۰۸	۱۴۲۸۴	۰/۴۳۳
	متأهل	۱۵۰	۱۷۰/۷۳		
احساس تعلق خاطر به ایران	مجرد	۲۰۰	۱۵۸/۹۹	۱۱۶۹۸	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۵۰	۱۹۷/۵۱		

همان‌طور که در جدول بالا قابل مشاهده است سطح معناداری (sig) بین متغیرهای وضعیت تأهل با میزان رضایت و احساس تعلق خاطر به ایران کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که بیان‌گر وجود تفاوت معنادار بین دو گروه افراد مجرد و متأهل در سطح ۹۹ درصد می‌باشد. سطح معناداری بین متغیر

وضعیت تأهل با میزان تمایل بازگشت به افغانستان بیشتر از ۰/۰۵ می باشد که این امر بیان کننده عدم وجود تفاوت معنادار بین دو گروه پاسخگویان مجرد و متأهل می باشد.

بررسی ارتباط متغیر محل سکونت با میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و

احساس تعلق خاطر به ایران

برای بررسی تفاوت یا عدم تفاوت بین متغیر محل سکونت افراد (مشهد و تربت جام) با متغیرهای میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران از آزمون من ویتنی استفاده گردید که در ادامه نتایج این آزمون ذکر گردیده است.

جدول ۶- نتایج آزمون من ویتنی بین متغیر محل سکونت با میزان رضایت، میزان تمایل بازگشت و

احساس تعلق خاطر

متغیر	گروه‌ها	حجم نمونه	میانگین رتبه	من ویتنی	سطح معناداری (sig)
میزان رضایت از زندگی در ایران	مجرد	۲۰۰	۱۶۹/۳۴	۳۵۷۱/۵	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۵۰	۲۳۰/۹۶		
میزان تمایل بازگشت به افغانستان	مجرد	۲۰۰	۱۷۹/۱۵	۴۳۶۱/۵	۰/۰۳۷
	متأهل	۱۵۰	۱۴۲/۶۱		
احساس تعلق خاطر به ایران	مجرد	۲۰۰	۱۷۲/۲۷	۴۴۹۵	۰/۰۶۶
	متأهل	۱۵۰	۲۰۴/۵۷		

بر اساس نتایج آزمون من ویتنی بین متغیر محل سکونت پاسخگویان با میزان رضایت از زندگی در ایران مشخص گردید که تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد بین دو گروه پاسخگویان ساکن شهرستان مشهد و تربت جام وجود دارد چراکه سطح معناداری در این آزمون برابر با ۰/۰۰۰ می باشد. درباره متغیر میزان تمایل بازگشت به افغانستان هم می توان گفت که با توجه به اینکه میزان sig بین این متغیرها برابر با ۰/۰۳۷ می باشد در سطح ۹۵ درصد وجود تفاوت معنادار بین دو گروه پاسخگویان ساکن شهرستان مشهد و تربت جام تأیید گردید.

از آنجا که سطح معناداری بین متغیرهای محل سکونت و احساس تعلق خاطر به ایران بیش از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین پاسخ‌های پاسخگویان شهرستان مشهد و تربت‌جام وجود ندارد.

بررسی ارتباط متغیر محل تولد با میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران

جهت بررسی ارتباط بین متغیر محل تولد پاسخگویان (افغانستان، ایران و سایر کشورها) با میزان رضایت از زندگی در ایران، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران از آزمون کروسکال والیس استفاده گردید؛ چراکه گروه‌های مورد بررسی در متغیر محل تولد پاسخگویان، مستقل از یکدیگر بوده‌اند و تعداد این گروه‌ها ۳ گروه می‌باشد. (در آزمون‌های ناپارامتری برای گروه‌های مستقل از یکدیگر با گروه‌های ۳ یا بیشتر از ۳ از آزمون کروسکال والیس باید استفاده کرد). در جدول زیر نتایج آزمون کروسکال والیس بین متغیر محل تولد پاسخگویان (افغانستان، ایران و سایر کشورها) با میزان رضایت از زندگی در ایران، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران به تفکیک ذکر شده است.

جدول ۷- نتایج آزمون کروسکال والیس بین متغیر محل تولد با میزان رضایت، میزان تمایل

بازگشت و احساس تعلق خاطر

متغیر	محل تولد	حجم نمونه	میانگین رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
میزان رضایت از زندگی در ایران	افغانستان	۱۴۹	۱۸۹/۸۸	۲	۰/۰۴۵
	ایران	۱۹۹	۱۶۵/۳۵		
	سایر کشورها	۲	۱۱۴		
میزان تمایل بازگشت به افغانستان	افغانستان	۱۴۹	۱۷۸/۰۵	۲	۰/۹۱۳
	ایران	۱۹۹	۱۷۳/۶۸		
	سایر کشورها	۲	۱۶۷/۲۵		
احساس تعلق خاطر به ایران	افغانستان	۱۴۹	۱۸۳/۵۴	۲	۰/۴۱۳
	ایران	۱۹۹	۱۶۹/۴۰		
	سایر کشورها	۲	۱۸۳		

همان‌طور که در جدول هم قابل مشاهده است تنها سطح معناداری بین متغیر محل تولد با میزان رضایت از زندگی در ایران کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که وجود تفاوت معنادار بین نظرات گروه‌های مختلف نسبت به میزان رضایت از زندگی در ایران را تأیید می‌کند. با توجه به این‌که سطح معناداری برای متغیرهای میزان تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران بیش از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین گروه‌های مختلف درباره این دو متغیر وجود ندارد.

بررسی ارتباط متغیر قومیت با میزان رضایت از زندگی، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران

جهت بررسی ارتباط بین متغیر قومیت پاسخگویان (هزاره، تاجیک، پشتون، ازبک و سایر قومیت‌ها) با میزان رضایت از زندگی در ایران، تمایل بازگشت به افغانستان و احساس تعلق خاطر به ایران از آزمون کروسکال والیس استفاده گردیده است که نتایج آن به تفکیک در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۸- نتایج آزمون کروسکال والیس بین متغیر قومیت با میزان رضایت، میزان تمایل بازگشت

و احساس تعلق خاطر

متغیر	قومیت	حجم نمونه	میانگین رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
میزان رضایت از زندگی در ایران	هزاره	۲۴۳	۱۶۶/۶۴	۴	۰/۰۷۰
	تاجیک	۷۱	۲۰۱/۲۵		
	پشتون	۵	۲۰۰/۴۰		
	ازبک	۷	۱۴۵/۷۹		
	سایر	۲۴	۱۹۲/۵۰		
میزان تمایل بازگشت به افغانستان	هزاره	۲۴۳	۱۸۴/۱۹	۴	۰/۰۰۲
	تاجیک	۷۱	۱۷۲/۱۵		
	پشتون	۵	۱۳۳/۳۰		
	ازبک	۷	۱۹۰/۷۱		

ادامه جدول ۸

متغیر	قومیت	حجم نمونه	میانگین رتبه	درجه آزادی	سطح معناداری (sig)
	سایر	۲۴	۱۰۱/۸۱		
احساس تعلق خاطر به ایران	هزاره	۲۴۳	۱۷۰/۲۳	۴	۰/۵۷۳
	تاجیک	۷۱	۱۸۸/۳۰		
	پشتون	۵	۱۵۵/۱۰		
	ازبک	۷	۱۹۸/۲۹		
	سایر	۲۴	۱۸۸/۶۳		

نتایج آزمون کروسکال والیس بین متغیرهای مورد بررسی نشان می‌دهد که سطح معناداری بین متغیر قومیت با میزان تمایل بازگشت به افغانستان برابر با ۰/۰۰۲ می‌باشد ($sig < 0.05$). لذا می‌توان گفت که تفاوت معنادار بین نظرات قومیت‌های مختلف نسبت به میزان تمایل بازگشت به افغانستان وجود دارد. از آنجاکه سطح معناداری برای متغیرهای میزان رضایت از زندگی و احساس تعلق خاطر به ایران بیش از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین گروه‌های مختلف درباره این دو متغیر وجود ندارد.

بررسی ارتباط متغیرهای سن، درآمد و مدت اقامت با رضایت از زندگی در ایران

جهت بررسی این فرضیه از نتایج مستخرج از پرسشنامه پخش شده بین مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی استفاده گردیده است که با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه توأم (Enter) به بررسی ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده است.

جدول ۹- نتایج آزمون رگرسیون چندگانه توأم بین متغیرهای سن، درآمد و مدت اقامت با میزان

رضایت از زندگی در ایران

Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	R	R ²	Sig
Regression	15.804	3	5.268	4.355	0.191	0.036	0.005
Residual	418.564	346	1.210				
Total	434.369	349					

با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه توأم بین متغیرهای مستقل که شامل سن، درآمد و مدت اقامت و متغیر وابسته (میزان رضایت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی از زندگی در ایران) رابطه همبستگی معناداری وجود دارد. چراکه سطح معناداری (sig) در این آزمون کمتر از ۰/۰۵ می باشد. به بیان دیگر متغیرهای پیش بین (متغیرهای مستقل = سن، درآمد و مدت اقامت در ایران) توانسته اند به طور معناداری میزان رضایت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی از زندگی در ایران را پیش بینی کنند ($R^2=0.036$ Sig<0.05)

جدول ۱۰- ضرایب میزان تأثیر متغیرهای مستقل (سن، درآمد و مدت اقامت) بر متغیر وابسته

(رضایت از زندگی در ایران)

عنوان	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig
	B	Std. Error	Beta		
سن	0.020	0.006	0.179	3.280	0.001
درآمد	-0.075	0.052	-0.079	-1.446	0.149
مدت اقامت	0.034	0.050	0.037	0.672	0.502

با توجه به نتایج جدول ضرایب و میزان Beta می توان گفت که متغیرهای سن و مدت اقامت به طور مثبت و متغیر درآمد به صورت منفی، رضایت از زندگی در ایران را پیش بینی کرده اند. ر به بیان دیگر با افزایش سن و مدت اقامت در ایران، میزان رضایت از زندگی در ایران افزایش داشته است و با افزایش درآمد، میزان رضایت کاهش داشته است. در این میان سن با بیش ترین ضریب (۰/۱۷۹) بالاترین نقش را در پیش بینی میزان رضایت داشته است. همچنین با

توجه به سطح sig هر متغیر می‌توان گفت که سن به‌صورت معنادار و مدت اقامت و درآمد به‌صورت غیرمعنادار توانسته‌اند رضایت از زندگی را پیش‌بینی کنند.

در نهایت می‌توان گفت که وجود رابطه معنادار بین متغیرهای سن، درآمد و مدت اقامت در ایران با میزان رضایت از زندگی در ایران تأیید می‌گردد.

بررسی ارتباط متغیرهای سن، درآمد و مدت اقامت با تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی

برای بررسی چگونگی ارتباط بین متغیرهای سن، درآمد و مدت اقامت با متغیر تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی هم از آزمون رگرسیون چندگانه توأم (Enter) استفاده گردیده است که نتایج آن در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۱۱- نتایج آزمون رگرسیون چندگانه توأم بین متغیرهای سن، درآمد و مدت اقامت با تمایل

به بازگشت مهاجرین افغانستانی در ایران

Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	R	R2	Sig
Regression	44.955	3	14.985	9.57	0.277	0.077	0.000
Residual	541.799	346	1.566				
Total	586.754	349					

با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه توأم بین متغیرهای مستقل که شامل سن، درآمد و مدت اقامت و متغیر وابسته (میزان تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی استان خراسان در ایران) رابطه همبستگی معناداری وجود دارد. چراکه سطح معناداری (sig) در این آزمون برابر با 0.00 می‌باشد (کمتر از ۰/۰۵). به بیان دیگر متغیرهای پیش‌بین (متغیرهای مستقل = سن، درآمد و مدت اقامت در ایران) توانسته‌اند به‌طور معناداری میزان تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی در ایران را پیش‌بینی کنند ($R^2=0.077$ Sig<0.05).

جدول ۱۲- ضرایب میزان تأثیر متغیرهای مستقل (سن، درآمد و مدت اقامت) بر متغیر وابسته (تمایل بازگشت به افغانستان)

عنوان	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig
	B	Std. Error	Beta		
سن	-0.012	0.007	-0.090	-1.676	0.095
درآمد	0.080	0.059	0.072	1.348	0.179
مدت اقامت	-0.265	0.057	-0.251	-4.672	0.000

با توجه به نتایج جدول ضرایب و میزان Beta می‌توان گفت که متغیرهای سن و مدت اقامت به‌طور منفی و متغیر درآمد به‌صورت مثبت، تمایل به بازگشت مهاجرین به افغانستان را پیش‌بینی کرده‌اند. به‌بیان‌دیگر با افزایش سن و مدت اقامت در ایران، میزان تمایل به بازگشت به افغانستان کاهش داشته است و با افزایش درآمد، میزان تمایل به بازگشت، افزایش داشته است. در این میان مدت اقامت با بیش‌ترین ضریب (-۰/۲۵۱) بالاترین نقش را در پیش‌بینی میزان تمایل به بازگشت مهاجرین به کشور خودشان داشته است. همچنین با توجه به سطح sig هر متغیر می‌توان گفت که مدت اقامت به‌صورت معنادار و سن و درآمد به‌صورت غیرمعنادار توانسته‌اند تمایل به بازگشت را پیش‌بینی کنند.

در نتیجه با توجه به مطالب گفته شده و خروجی‌های مدل رگرسیون توأم می‌توان گفت که وجود رابطه معنادار بین متغیرهای سن، درآمد و مدت اقامت در ایران با متغیر تمایل به بازگشت مهاجرین به کشور افغانستان هم تأیید می‌گردد.

بررسی ارتباط متغیرهای سطح تحصیلات با رضایت از زندگی در ایران

جهت بررسی وجود تفاوت بین متغیرهای این فرضیه از آزمون Anova (تحلیل واریانس) استفاده گردیده است که به تفکیک متغیرها در ادامه ذکر شده است.

جدول ۱۳- نتایج آزمون Anova بین متغیرهای سطح تحصیلات با رضایت از زندگی در ایران

عنوان	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	25.195	6	4.199	3.520	0.002
Within Groups	409.173	343	1.193		
Total	434.369	349			

از آنجا که میزان sig در بین این متغیرها کمتر از 0.05 می‌باشد (Sig = 0.002) می‌توان گفت بین سطح تحصیلات و میزان رضایت از زندگی در ایران تفاوت معناداری وجود دارد (F=3.52 sig<0.05). پس از بررسی و مقایسه سطح معناداری و میانگین پاسخ‌های پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات مشخص گردید که بین پاسخ‌های مهاجرین با سطح تحصیلات بی‌سواد و لیسانس، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۴- مقایسه میانگین پاسخگویان درباره میزان رضایت از زندگی در ایران بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	N	Mean	Mean Difference	Sig
بی‌سواد	15	3.40	0.941*	0.047
ابتدایی	33	2.97	0.430	0.867
راهنمایی	57	3.07	0.330	0.944
دیپلم	134	2.56	0.840	0.073
فوق‌دیپلم	28	2.79	0.614	0.578
لیسانس	61	2.46	0.941*	0.047
فوق‌لیسانس و بالاتر	22	3.00	0.400	0.930
جمع کل	350	2.75	-	-

همان‌طور که در جدول بالا مشخص است با توجه به سطح معناداری و اختلاف میانگین بین پاسخ‌های افراد با سطح تحصیلات بی‌سواد با افراد با سطح تحصیلات لیسانس، وجود تفاوت معنادار بین پاسخ‌های این دو گروه مشهود است.

در نهایت با توجه به نتایج مستخرج از پرسشنامه و آزمون Anova می‌توان گفت که وجود تفاوت معنادار بین سطح تحصیلات و میزان رضایت از زندگی تأیید می‌گردد. بررسی ارتباط متغیرهای وضعیت شغلی و میزان رضایت از زندگی در ایران نتایج آزمون Anova (تحلیل واریانس) جهت بررسی وجود تفاوت معنادار بین متغیرهای وضعیت شغلی و میزان رضایت از زندگی در ایران در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۱۵- نتایج آزمون Anova بین متغیرهای وضعیت شغلی با رضایت از زندگی در ایران

عنوان	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	6.985	6	1.164	0.934	0.470
Within Groups	427.384	343	1.246		
Total	434.369	349			

همان‌طور که در جدول بالا قابل مشاهده است، سطح معناداری (sig) بین متغیرهای مورد بررسی برابر با 0.470 می‌باشد و با توجه به اینکه این رقم بالاتر از 0.05 می‌باشد، بیان‌گر عدم وجود تفاوت معنادار بین این متغیرها می‌باشد. لذا می‌توان گفت که وجود تفاوت معنادار بین وضعیت شغلی و میزان رضایت از زندگی در ایران رد می‌گردد.

بررسی ارتباط متغیرهای سطح تحصیلات با تمایل به بازگشت

جهت بررسی وجود تفاوت بین متغیرهای این فرضیه از آزمون Anova (تحلیل واریانس) استفاده گردیده است که به تفکیک متغیرها در ادامه ذکر شده است.

جدول ۱۶- نتایج آزمون Anova بین متغیرهای سطح تحصیلات با میزان تمایل به بازگشت مهاجرین به افغانستان

عنوان	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	35.066	6	5.844	3.634	0.002
Within Groups	551.688	343	1.608		
Total	586.754	349			

از آنجاکه میزان sig در بین این متغیرها برابر با 0.002 می‌باشد (کمتر از 0.05) می‌توان گفت بین سطح تحصیلات و میزان تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی به کشور خودشان تفاوت معناداری وجود دارد ($F=3.634$ sig <0.05). پس از بررسی و مقایسه سطح معناداری و میانگین پاسخ‌های پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات مشخص گردید که بین پاسخ‌های مهاجرین با سطح تحصیلات راهنمایی با افراد لیسانس و فوق لیسانس و بالاتر، تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به بزرگ بودن جدول مقایسه‌ای بین این افراد از ذکر جدول خودداری می‌گردد. در نهایت با توجه به نتایج مستخرج از پرسشنامه و آزمون Anova می‌توان گفت که وجود تفاوت معنادار بین سطح تحصیلات و میزان تمایل به بازگشت مهاجرین افغانستانی به کشورشان تأیید می‌گردد.

بررسی ارتباط متغیرهای وضعیت شغلی و میزان تمایل به بازگشت مهاجرین به افغانستان

جهت بررسی وجود تفاوت معنادار بین متغیرهای وضعیت شغلی و میزان تمایل به بازگشت مهاجرین به افغانستان از آزمون Anova (تحلیل واریانس) استفاده گردید که نتایج آن در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۱۷- نتایج آزمون Anova بین متغیرهای وضعیت شغلی و میزان تمایل به بازگشت

مهاجرین به افغانستان

عنوان	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	33.654	6	5.609	3.478	0.002
Within Groups	553.100	343	1.613		
Total	586.754	349			

بر اساس این آزمون مشخص گردید که سطح معناداری (sig) بین متغیرهای مورد بررسی برابر با 0.002 می‌باشد و با توجه به اینکه این رقم کمتر از 0.05 می‌باشد، بیان‌گر وجود تفاوت معنادار بین متغیرهای وضعیت شغلی و میزان تمایل به بازگشت مهاجرین به افغانستان می‌باشد.

در بررسی گروه‌های شغلی و پاسخ‌های این افراد به میزان تمایل به بازگشت به افغانستان مشخص گردید که بین گروه شغلی دانشجو با افراد دارای شغل خانه‌دار و بیکار تفاوت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر دانشجویان تمایل بالایی به بازگشت به کشور افغانستان دارند ولی پاسخگویان خانه‌دار و بیکار تمایل کمی به بازگشت به کشور افغانستان دارند ولی تفاوت سایر گروه‌ها، تفاوت معنادار و زیادی نسبت به یکدیگر نیست.

لذا می‌توان گفت که وجود تفاوت معنادار بین وضعیت شغلی و میزان تمایل به بازگشت مهاجرین به افغانستان تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

سابقه مهاجرت به تاریخ عمر بشر بر می‌گردد. انسان اولیه همواره مهاجرت و جابجایی‌های مکانی را یگانه راهبرد و راه‌حل‌گریز از مصائب و مشکلات خود دیده است. وجود جنگ‌های داخلی و نبود امنیت یکی از علل اصلی مهاجرت‌های بین‌المللی می‌باشد که همین عامل باعث مهاجرت تعداد بسیار زیادی از افغانستانی‌ها طی دهه‌های گذشته به کشورهای مختلف از جمله ایران شده است. نحوه توزیع فضایی مهاجرین افغانستانی در استان خراسان رضوی به این صورت می‌باشد که حدود ۹۵ درصد از این افراد در شهرستان مشهد سکونت دارند و ۳ درصد آن‌ها هم در مهمان‌شهر تربت‌جام و ۲ درصد باقی‌مانده هم در سایر شهرستان‌های استان سکونت دارند. نتایج مستخرج از پرسشنامه هم بیان‌گر رضایت کمتر از حد متوسط زندگی در ایران توسط مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی می‌باشد و میزان تمایل بازگشت به افغانستان هم بر اساس میانگین نظر پاسخگویان هم کمتر از حد متوسط بوده است. بر اساس نتایج آزمون من ویتنی بین متغیر محل سکونت پاسخگویان با میزان رضایت از زندگی در ایران و میزان تمایل بازگشت به کشورشان مشخص گردید که تفاوت معناداری بین دو گروه پاسخگویان ساکن شهرستان مشهد و تربت‌جام وجود دارد. با توجه به روند پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. اجرای طرح شناسایی همه‌جانبه اتباع خارجی با تأکید بر اتباع غیرمجاز؛

۲. شناسایی دقیق محل اقامت اتباع خارجی در استان و کشور چراکه هم اکنون هیچ آدرس دقیقی از محل سکونت این افراد در استان و کشور وجود ندارد؛
۳. با توجه به اینکه تقریباً تمامی مهاجرین افغانستانی در کشور و استان بر اساس معاهدات بین‌المللی مثل کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ هم اکنون دارای شرایط لازم که به‌عنوان پناهنده شناخته شوند، نمی‌باشند و بدون هیچ مشکلی به کشور افغانستان سفر کرده و دوباره به ایران بر می‌گردند و خطری از طرف حاکمیت افغانستان متوجه آن‌ها نیست، باید به سمت فراهم کردن شرایط لازم جهت برگشت این افراد به کشورشان و خروج از وضعیت پناهندگی اقدام شود؛
۴. یکی کردن و یکسان‌سازی مدارک شناسایی اتباع خارجی؛
۵. تهیه بانک اطلاعاتی جامع درباره اتباع خارجی در استان و کشور. کم کردن جاذبه‌های حضور اتباع افغانستانی در استان و کشور مثل اخذ قیمت تمام شده خدمات ارائه شده به آن‌ها؛
۶. لزوم مشخص کردن مکان معین برای زندگی این افراد در شهرها یا روستاها و جلوگیری از پراکندگی آن‌ها در سطح شهر و روستاها؛
۷. اطلاع‌رسانی به مهاجرین خارجی درباره هزینه‌ها و خدمات ارائه شده به آن‌ها.

کتابنامه

- Aliens and Foreign Immigrants Affairs Office of Razavi Khorasan Province, (2013).
- Azimi, N. (2005). *Regional planning, city and capital accumulation*. Mashhad: Nika Press.
- Beygmohammadi, H., & Mokhtari, R. (2003). Geographic analysis on migration process in Khuzestan province. *Journal of Geography and Development*, 1(2), 21-36.
- Fakhrizadeh, H. (2011). *Investigate factors related to compatibility of Afghan immigrants (Case study: Golshahr town of Mashhad)*. Unpublished MA Thesis of Sociology, Shiraz University, Shiraz.
- Farid, Y. (2002). *Geography of population*. Tabriz: Tabriz University Press.
- Ghanbari, M. (2014). *Planning and integrated management Afghan immigrants of Razavi Khorasan Province and its role in the security of province*. Mahshhad: Applied Research Office of Police Razavi Khorasan Province.

- Interior minister of the Republic of Iran (2011). Spatial plan of immigrants in Razavi Khorasan Province, extracted on 5/5/2011 from www.moi.ir
- International Organization Migration. (2010). World Migration Report 2010. International Organization Migration: palais des nations Geneva Switzerland.
- Javan, J. (2011). *Geography of Iranian population*. Mashhad: Jahad Daneshgahi Press.
- Karimi, H. A. (2013). *Migration, residential mobility and its reflection on structure of urban social – spatial, case study: Afghan immigrants in Mashhad, with emphasis on zones 4, 5 and 6*. Unpublished MA Thesis of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar.
- Koepke, B. (2011). *The situation of Afghans in the Islamic Republic of Iran nine years after the overthrow of the Taliban Regime in Afghanistan* Middle East Institute (February 4, 2011).
- Mansourian, M. K., Lahesaeizadeh, A. A., & Jalili, R. (2010). Study of population geographical distribution of foreign immigrants in Iran and its relationship with issues of security. *Presented at the First National Conference on Migration, Discipline and Security (223-240)*, Applied Research Office of Police Razavi Khorasan Province and Ferdowsi University of Mashhad.
- Movasegi, H., & Khatoonabadi, A. (2009). Determining the relationship of factors inside family and migration of rural members of Marand County to cities in 2004, *Journal of Rural and Development*, 12(3), 93-114.
- Naser, K. (2000). What happened in Afghanistan, *Journal of dialogue*, Tehran, (29), 264-251.
- Polek, E., Wöhrle, J., & Oudenhoven, J. (2009). The role of attachment styles, perceived discrimination, and cultural distance in adjustment of German and Eastern European immigrants in the Netherlands. *Cross-Cultural Research*, 44(1), 60-88.
- Sajid, A., Ali, H., Rashid, M., & Raza, A. (2009). *Impact of process improvement on patient satisfaction in public health care facility in Pakistan*, 11th QMOD Conference. Quality Management and Organizational Development Attaining Sustainability from Organizational Excellence to Sustainable Excellence; 20-22 August; 2008 in Helsingborg; Sweden
- Shekhi, M. T. (1990). *Sociology of the third world*. Tehran: Eshragi Press.
- Taherkhani, M. (2001). Analysis on affecting factors in migration of rural – urban. *Journal of Geographical Research*, 3, 67-93.
- The Health Boards Executive (2003). *Measurement of patient satisfaction guideline*. Health strategy implementation project, Report by the health boards executive, unit 4, London.
- The Statistical Center of Iran. (2006). *Population and housing census of Iran*.
- The Statistical Center of Iran. (2011). *Population and housing census of Iran*.
- Zanjani, H. (2001). *Migration*. Tehran: SAMT Publications.

- Zargani, S. H., & Hosseini, Z. (2013). International immigrants and national security. *Journal of Strategic Study*, 36(59), 7-26.
- Zargani, S. H., & Sojasi, H. (2015). Introduction on immigrant and national security. Mashhad: Applied Research Office of Police, Razavi Khorasan Province.